

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

باز تایب توسط : طارق هوادار (ساما- ادامه دهندگان).

نویسنده : زنده یاد عبدقیوم (رهبر)

۰۶ دسمبر ۲۰۱۱

از مقاومت تا انقلاب

از انقلاب تا پیروزی در ضرورت اوضاع کنونی

۲

به ادامه گذشته:

سوسیال امپریالیسم روس بعد از این نفوذ همه جانبه امپریالیستی با در نظر داشت اوضاع نابسامان داخلی ، اوضاع آشفته منطقه و بین المللی لحظه حمله را تشخیص داد و بعد از تثبیت مزدوران خود باند های (خلق و پرچم) بر اریکه قدرت سیاسی برای جلوگیری از نابودی آنها به شکل عریان و گستاخانه بالشکر کشی و حشیانه ننگین ترین تجاوز را مرتکب شده است. روسها به خیال این که می توانند با اغواگری و کشیدن ماسک نقاشی شده با شعار های ترقی خواهی ، کمک انترناسیونالیستی و جامعه گرایی برچهره امپریالیستی خود، خلقهای محروم را بفریب ، خود درکام آتش رزم آوران محروم و ستمدیده افغانستان افتادند. فرمان تاریخ چنین بود تا همانطوری که در آغاز قرن [۲۰] ملت سلحشور و آزاده ما موظف به شکست اقتضاح آمیز تجاوزگران امپراطوری بریتانوی شد در اخیر قرن نیز قرعه فال به نام نامی مردم قهرمان مازده شد تا امپریالیسم گستاخ و دهن دریده ای را ادب کند که نه تنها خون میلیونها انسان بیگناه مارا به خاطر اهداف جهانگشایانه اش می ریزد - که ، به خلق خود نیز خیانت بس هولناکی را مرتکب شده است .

مردم آزاده و دلیرما به این فرمان زمان نیز پاسخ به جا داده است و با نبرد سهمگین خود می رود تا پوزه ، امپریالیسم استعمارگر " شرق " را نیز بر خاک بساید ، و درس جدیدی را در صفحه های تاریخ به یادگار گذارد . این درس های تاریخی دو جانب دارد.

از یک جانب درسی برای ستمگران تجاوزگر تا فکر تسخیر افغانستان این لانه عقابان آزاده را دیگر در سر نپروراند . چنانچه هم اکنون صدای این درس آموزی از میان کاخ کرملین بلند شده است . روسها اکنون می گویند با

تجربه ای که از افغانستان داریم بعد از این در هر کشوری که بخواهیم تجاوز کنیم چندین بار می اندیشیم و با احتیاط بیشتری نیروهای نظامی خود را داخل آن کشور می نمائیم .

و اما از جانب دیگر یعنی جانب اصلی و حیاتی آن درس برای رنجبران و ستمکشان آزاده افغانستان – که جنگنده های اصلی و ارتش واقعی این نبرد اند – می باشد تا با آموزش از این تجارب تاریخی با تمام توان بکوشند ، تا از خیانت های بزرگ ملی و غارت رفتن حاصل رنج و خون شان جلوگیری و نگذارند که تجارب تلخ تاریخ مردم ما تکرار شود . این درسی است که توده های میلیونی مردم بلاکشیده ما باید بگیرند که عوامل اساسی استعمار و ستمگری در داخل کشور است تا این ریشه ها در داخل سوختانده نشوند ، تا بساط ظلم و ستمگری ، استبداد ، اختناق در هر شکل و شیما در درون و از اساس فرونریزد و تا ستمکشان افغانستان خود حاکم سرنوشت خود نشوند، استعمار و ستمگری همچنان پابرجا باقیمانده و دروازه ها بر روی هجوم و تجاوز استعمار گران امپریالیست باز خواهد ماند . یعنی اگر آن را از درهم بیرون بیندازیم از پنجره دوباره داخل می شود . چنانچه بارها استعمار گران مهاجم را بیرون ریخته ایم ولی ، استعمار زاده گان بر اریکه قدرت نشسته اند . این درست است که مردم قهرمان ما باید بدانند که برای اعمار جامعه آزاد، آباد ، شگوف و متمدنی باید انقلاب کرد و این انقلاب را پیروز مندان به انجام رساند .

بر اساس همین دلایل است که میان جنبش مقاومت و انقلاب واقعی فرق های معینی را باید قایل شویم . هر انقلاب آزادیبخش در ذات خود یک جنبش مقاومت ضد امپریالیستی است و بدون این جنبش نمی تواند این انقلاب وجود داشته باشد . ولی هر جنبش مقاومت یک انقلاب کامل و واقعی نیست بلکه باید به این انقلاب ارتقاء نموده و تبدیل شود اگر یک جنبش ضد استعماری به یک انقلاب آزادیبخش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی نینجامد ، نیمه کاره مانده و نتایج لازم را به بار نمی آورد .

حال در آئینه این واقعیات مشخصاً جنبش مقاومت کنونی خود را در نظر می گیریم :

ما بارها گفته ایم که سوسیال امپریالیسم در کشور ما به شکل یک سیستم و نظام استعمارگرانه عمل می کند مثلاً این سیستم در ساحة سیاسی دست به فعالیت گسترده در اشکال متعدد می زند ، برای این سیاست ها تبلیغات می کند می گوید ما صلح طلب و ترقی خواه هستیم ، ما تمدن پسند و غریب نواز می باشیم و از این طریق دست به مانور های سیاسی می زند تا شکست خود را در ساحات دیگر جلو گیرد .

در ساحة اقتصادی با نوعی رفورمیسم استعماری دست به اصلاحات اقتصادی می زند که در نتیجه آن با ظاهر فریبی اقتصاد کشور ما را با هزار و یک رشته وابسته به اقتصاد امپریالیستی روسیه می سازد .

در ساحات فرهنگی به مسخ و استحاله فرهنگی ملی و غرور انگیز ما می پردازد تا از انسان آزاده افغانی شخصیت بی هویتی بسازد که شیفته زرق و برق فرهنگ امپریالیستی روس شود .

در ساحت نظامی در تلاش بوده است تا از افغانستان منحیت تخته پرش به سوی بحر هند و منطقه خاور میانه استفاده نماید . و اردوی افغانستان را به شکل ارتش مزدوری در آورد و نقش مهره ای از ماشین غول پیکر نظامی روس را داشته باشد و همینطور تا آخر

لذا درسهای متذکره و آزمون های عملی به ما می آموزد که برای طرد تجاوز و شکست استعمار و رهائی واقعی از قید و بند امپریالیستها باید این سیستم را در هم شکست، و برای درهم شکستن این سیستم یک انقلاب واقعی ضرورت است . انقلابی که این گونه سیستم های استعماری و ضد مردمی را از پایه سرنگون و بساط آنها را جامعه برچیند . از جایی که در برابر هر انقلاب آزادیبخش دولت استعماری و ضد مردمی به عنوان آله سیادت و مجری این سیستم

است لذا نخست از همه باید این گونه دولت را از قدرت به زیر افگند و به جای آن دولت مستقل، آزاد، مردمی و مترقی بر پایه اتحاد وسیع نیروهای مستقل، آزاد میهن دوست و انقلابی را بنیاد نهاد.

این است یگانه راه پیروزی واقعی که می تواند چاره دردها و شکنجه های ملت در بند و زجر کشیده ای ما باشد که سال ها بر گرده خود دو کوه گران ستمگری را از بیرون و درون حمل کرده است.

پس بنابر این ضرورت باید گفت که جنبش مقاومت کنونی خلق قهرمان ما با در پیش گرفتن شعار اساسی انقلاب آزادیبخش ضد استعماری، ضد وابستگی و ضد ارتجاعی باید تا پیروزی کامل یک انقلاب واقعی راه ببیماید. این راهیست که همه توطئه ها، معامله گری های امپریالیستی را خنثی و آرمان مردم آزاده و ستمکش مارا می تواند در عمل متحقق سازد.

دوم : عوامل بازدارنده این امرو تباری ابر قدرت ها برای جلوگیری از این انقلاب و پیروزی :

جنبش مقاومت مردم با ایمان ما طی ده سال نبرد جانبازانه و سهمگین یک بار دیگر ظرفیت تاریخی مبارزاتی ضد تجاوزات بیگانه ملل اسیر را در عصر امپریالیسم به نمایش گذارد . اکنون امپریالیست هائی که گوش شنوا هم برای فهم اینگونه عکس العمل و شنیدن غریو خشمگین پیکارگران فاتح ما نداشتند با چشم سر سوختن تجاوزگران فراری را در شعله های سرکش جنگ ضد تجاوزی مشاهده می کنند .

اما همانطوری که در رابطه با سیستم استعماری اشاره رفت این عقب نشینی ارتش اشغالگر به معنی دست کشیدن کامل از استعمار گری و به زیر سیطره کشیدن کشور عزیز ما نیست بلکه دقیقاً با تشخیص عکس العمل مشتعل یاد شده ، کشور عزیز ما در آغاز مرحله جدیدی از حيله های استعمار و استثمار خلق محروم مآقرار گرفته است . که با خدعه و نیرنگ زیر شعار ایجاد "دولت ائتلافی" و "مصالحه ملی " مناصب چندی برای نیروهای ارتجاعی وابسته تعارف می شود امپریالیسم روس می خواهد با شیوه های نو استعماری برنامه های جهنمی خود را به مرحله اجراء گذارد : اگر با تیغ برهنه نشد دشمن را میت وان با پنبه سر برید در این منطق جدید می خواهد در شکل هم آغوشی استعمار و ارتجاع شکل بگیرد .

برای روشنائی این مسایل لازم است تا در قدم نخست عوامل مثبت و قوت جنبش مقاومت مردم مارا که اساس عقب نشینی نیروهای اشغالگر روسی را می سازد و آنها را مجبور به تغییر سیاست ها به شکل چرخش های سیاسی و مانور در این زمینه کرده است،

- در نقاط اساسی نشانه گیری نموده و به تعاقب آن نقاط ضعفی را نام بریم که مانع پیروزی واقعی مردم ما در مقطع کنونی می شود و به عکس برای دشمن زمینه مانور های سیاسی را به شکل خطرناکی مهیا ساخته است .

- عوامل مؤثری که در جهت شکست روس و تغییر سیاست های استعماری اش عمل می کند :

۱- همگانی شدن مقاومت مسلحانه با پایه وسیع اجتماعی و توده ئی که باعث تجرید دشمن شده است .

۲- ضربات بزرگ نظامی که مبارزان پرشور و جهادگران آزاده در اشکال مختلف طی ده سال مقاومت سرسختانه برپیکر ارتش اشغالگر و مزدورانش وارد آورده اند .

۳- روحیه بلند مبارزاتی نیروهای مسلح مردمی و ضعف مورال رزمی دشمن .

۴- صدمات چاره ناپذیر سیاسی دشمن .

۵- تلفات جانی نیروهای دشمن و انعکاس آن میان مردم شوروی و فشاری که از این ناحیه بر حزب و دولت شوروی وارد آمده است .

- ۶- خسارات بزرگ و تحمل ناپذیر اقتصادی دشمن .
 - ۷- هراس دشمن تجاوزگر از گیر کردن در "منجلاّب" جنگ توده ئی طولانی و کسب هژمونی نیروهای اصیل انقلابی در رهبری آن .
 - ۸- بلند رفتن مهارت رزمی نیروهای مقاومت .
 - ۹- بلند رفتن امکانات و وسایل نظامی نیروهای مقاومت .
 - ۱۰- تضاد چاره ناپذیر درونی میان مزدوران خلقی – پرچمی و فساد روز افزون شان .
 - ۱۱- فساد و استفاده جوئی نیروهای نظامی ارتش اشغالگر .
 - ۱۲- تمرکز افکار بین المللی و "جهان آزاد" علیه تجاوز روس ها به افغانستان .
 - ۱۳- تشدید تضاد بین دو ابرقدرت رقیب بر سر این مسأله .
 - ۱۴- خرابی روابط بین المللی امپریالیسم روس در رابطه به دولت ها و احزاب مختلف به اساس تجاوز آن به افغانستان .
 - ۱۵- انعکاس سرایت نهضت مقاومت آزادیخواهانه مردم ما در میان اقمار روسیه و تشدید مبارزات رهائی طلبانه در برخی جمهوریت های شوروی ویا کشور های اقمار آن .
 - ۱۶- به وجود آمدن جنجال های درونی در داخل حزب و دولت شوروی بر سر مسأله افغانستان و... .
- این مجموعه عوامل و مؤثرات بالای تجاوز گران امپریالیست روس فشار طاقت فرسائی را وارد آورده و مشکلات عدیده ای را پیش روی سیاست های خشن استعماری او خلق نموده است این مشکلات سوسیال امپریالیسم را واداشته تا در رابطه به مسأله افغانستان که آن را "زخم خونین" می نامد دست به تغییر سیاست هایش بزند .
- بر همین مناسبت که روس ها برای تلافی شکست نظامی شاخه های سیاسی ، تبلیغاتی ، روانی سیستم استعماری خود را با انعطافات خاص به مانور جدید کشانده اند .
- و اما جریانات و مؤثراتی که از درون خود روسیه در مورد قضیه افغانستان من حیث یک فکتور خاص عمل می کند . در درون حزب حاکم و دولت شوروی سالیانیست که دو جناح باهم در رقابت شدید برای کسب قدرت برتر به سر می برد. که خواه ناخواه هریک از این دو جناح شیوه های معینی را برای استثمار خلق خود و در بند کشیدن ملل دیگر به کار می بندند .
- ادامه دارد